

شرح حال و مؤلفات آراء خاصه
ابوالمعالی جوینی
در علم کلام، فقه و اصول الفقه

نام و نسب : عبدالملک بن عبدالله بن یوسف بن محمد بن حیویه^۱ جوینی نیشابوری ملقب به امام الحرمین و مکنی به ابوالمعالی است .

تاریخ و محل تولد : جوینی در هجدهم ماه محرم سال^۲ ۵۴۱۹ هـ مطابق ۱۷ فوریه سال ۱۰۲۸ میلادی در شهر کوچکی بنام «آزادوار^۳» متولد شد .

۱ - حیویه : به فتح حاء وضم یاء مشدد وواو ساکن و یاء مفتوح (ابن خلکان و فیات الاعیان ج ۲ ص ۳۱۲) .

۲ - طبقات الشافعیه تألیف تقی الدین سبکی ج ۳ ص ۲۵۱، ابن خلکان در وفيات الاعیان ج ۲ ص ۳۱۳، النجوم الزاهره تألیف ابوالعاسن اتابکی ج ۵ ص ۱۲۱ و تبیین کذب المفتری تألیف ابن عساکر ص ۲۸۵ .

۳ - یاقوت حموی در المعجم البلدان ج ۱ ص ۲۳۱ در باره این شهر کوچک یا قصبهچنین میگوید : نصبه ای است دارای بازار و مساجد ، در ابتدا کاروانسرای بزرگی بوده است که بوسیله عده ای از تجار که این کاروانسرا در سواره آنها قراردادت آباد گشت و عده زیادی از دانشمندان بدانجا مسویند از جمله : ابو عبدالله محمد بن حفص بن محمد بن یزید شعرانی نیشابوری آزادواری و ابوحامد احمد بن محمد بن عباس آزادواری .

و اما ابوالمعالی بدانجا منسوب نیست بلکه وی منسوب به قصبه «جوین»^۱ است .

مدارج تحصیلی ابوالمعالی : ابوالمعالی جوینی نزد پدرش ابومحمد عبدالله بن یوسف بن محمد بن عبدالله بن حیویه جوینی تلمذ نموده است . پدر ابوالمعالی از فقه‌های معروف زمان خود بوده و در یکی از مدارس نیشابور بتدریس فقه اشتغال داشته است .

سبکی در طبقات الشافعیه در باره ابومحمد چنین میگوید :
 ابومحمد پدر امام الحرمین از لحاظ علم وزهد ، یگانه عصر خویش و ملقب به «رکن الاسلام» بوده او شناسائی کاملی به فقه ، اصول ، نحو تفسیر و ادب داشت . پسرش امام الحرمین و سهل بن ابراهیم مسجدی و علی بن احمد مدینی و دیگران راجع بوی چنین گویند : ابومحمد ابتدا نزد ابویعقوب ایوردی در ناحیه جوین فقه را فراگرفت و سپس به نیشابور قدم نهاد و در نزد ابوالطیب صعلوکی علم فقه را تکمیل نمود و بعد به قصد دیدن قفال مروزی به مرو سفر کرد و تا سال ۴۰۷ هجری که به نیشابور برگشت ملازم قفال بود . وی در سال ۴۳۸ هجری در نیشابور درگذشت تصانیف وی عبارتند از : الفروق ، السلسله ، التبصره ، التذکره ، مختصرالمختصر ، شرح الرساله ، فی موقف الامام و المأموم ، پدر ابوالمعالی مذهب شافعی داشت^۲ .

ابوالمعالی بهنگام فوت پدر در سال ۴۳۸ هـ . کمتر از ۲۰ سال داشت و با وجود این در مدرسه‌ای که پدرش در آنجا مشغول تدریس بود

۱ - جوین بضم جیم و فتح واو و سکون یاء که خراسانها آنرا گوان خوانند یکی از بخشهای نیشابور است . یاقوت حموی در معجم البلدان راجع باین قصبه چنین گوید: قصبه ایست نظیف باطراوت با ساختمانهای پیوسته بهم و قنوات و بستانهای زیاد ، در آغاز شهر کوچکی بود بنام «آزاد وار» و یک روز راه با نیشابور فاصله داشت و از جوین بزرگانی از قبیل امام الحرمین ، ابوالمعالی عبدالملک بن ابومحمد عبدالله بن یوسف بن عبدالله جوینی و پدرش وجدش برخاسته اند .

۲ - طبقات الشافعیه : سبکی ج ۳ ص ۲۵۲ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۲۶۱ .

بتعلیم طلاب می‌پرداخت و همزمان با اشتغال بتدریس برای اتمام تحصیلات خود به مدرسه بیهقی سیرفت و اصول عقائد و اصول فقه را نزد امام ابوالقاسم اسکافی^۱ اسفرائینی فرا می‌گرفت و هم چنین در مجلس درس ابوعبدالله^۲ خبازی حضور می‌یافت و علوم قرآن را نزد وی می‌آموخت .

سعنت اشاعره و ابوالمعالی

سبکی^۳ در طبقات الشافعیه از قول عبدالغافر^۴ فارسی چنین نقل میکند : ابوالمعالی در نیشابور مشغول مناظره بود تا اینکه مابین عمیدالملک کندی از یک طرف و اشاعره و شافعیه از طرف دیگر تعصب بروز کرد ، بر اثر این اختلافات اوضاع و امور مضطرب گشت و ابوالمعالی ناچار از شهر خارج شد و با عده‌ای از بزرگان و مشایخ به معسکر و بعد بطرف بغداد حرکت کرد و در بغداد توقف نمود در آنجا با اکابر علما بمناظره پرداخت تا اینکه آوازه شهرتش در بغداد پیچید ، سپس به حجاز رفت و در مکه و مدینه ۴ سال بتدریس و افتاء مشغول شد و پس از آن به نیشابور برگشت در این موقع تعصبات گذشته پایان پذیرفته زمان سلطنت آلب ارسلان و وزارت نظام الملک بود از این به بعد مدت سی سال بدون مزاحم بتدریس پرداخت .

۱ - ابوالقاسم اسفرائینی یکی از اصحاب اشعری ، متکلم و فقیه بوده و به فقه و اصول عنایت زیادی داشته و در ۲۸ صفر سال ۴۵۲ هـ فوت کرده است (طبقات شافعیه ج ۳ ص ۲۲ - تبیین کذب المقتری ص ۲۹۵) ابوالقاسم اسفرائینی شاگرد ابواسحق اسفرائینی و ابواسحق شاگرد ابوالحسن باهلی و باهلی شاگرد ابوالحسن اشعری بوده است (طبقات شافعیه ج ۳ ص ۲۵۲) .

۲ - ابوعبدالله الخبازی نیشابوری در ماه رمضان سال ۴۴۷ هجری فوت کرده و یکی از قراء معروف قرآن بوده است (تبیین کذب المقتری ص ۲۶۴) .

۳ - طبقات الشافعیه تقی‌الدین سبکی ج ۳ ص ۲۶۵ ، و قیات الاعیان ج ۲ ص ۳۱۲ .

۴ - عبدالغافر فارسی در سال ۴۵۱ هجری متولد شد و او در آن موقع شاهد احوال جوینی بوده و او را از نزدیک میشناخته است و همانطور که خود در کتاب «اسفل» میگوید در مجلس درس جوینی حضور یافته است . (اسفل ج ۳ ص ۲۵۴ - س ۶) .

وجه تسمیه ابوالمعالی جوینی به لقب امام الحرمین

کلیه مصادر و منابع اتفاق دارند که ابوالمعالی مدت ۴ سال در مکه و مدینه اقامت نموده و در این مدت «به تدریس و افتاء و جمع کردن آراء مذهب»^۱ اشتغال داشته است. ظاهراً لقب امام الحرمین بعلت اقامت در دو حرم شریف بوی داده شده است.^۲

بازگشت امام الحرمین به نیشابور و تدریس وی در مدرسه نظامیه

ابوالمعالی جوینی در سال ۴۵۵ هجری هم‌زمان با سلطنت آلب ارسلان سلجوقی به نیشابور بازگشت، نظام‌الملک وزیر آلب ارسلان او را مقرب داشت و بخاطر وی مدرسه نظامیه را در شهر نیشابور بنا نهاد، ابوالمعالی در این مدرسه مشغول تدریس شد و تا آخر حیاتش (۴۷۸ هجری) بتدریس ادامه داد و در مجلس درس وی عده زیادی از طلاب برجسته مانند ابوالفتح انصاری نیشابوری حاضر میشدند و بطوریکه سبکی میگوید روزانه در حدود ۳۰۰ نفر از علما و طلاب در محضر درس ابوالمعالی حضور مییافتند و از او کسب فیض میکردند. در همین ایام، تصدی ایراد خطبه را در مسجدی که ابوعلی منیعی برپا کرده بود بعهده داشت، و روز جمعه نیز بوعظ و تبلیغ میپرداخت و امور اوقاف هم به وی تفویض شده بود.

مصنفاقی بدستور نظام‌الملک تصنیف کرد از قبیل «النظامی» و «الغیائی» و آنها را برای نظام‌الملک میفرستاد و او هم در قبال آنها برای ابوالمعالی تحف و هدایا و خلعت‌های زیادی می‌فرستاد. ابوالمعالی تا آخر حیاتش مورد احترام و اکرام فوق‌العاده نظام‌الملک بود.

۱ - وفيات الاعیان ابن خلکان ج ۱ ص ۳۱۲ شذرات الذهب ج ۳ ص ۳۵۹ .

۲ - طبقات الشافعیه ج ۳ ص ۲۵۵ س ۴ ابن خلکان ج ۲ ص ۳۴۱ س ۲ شذرات الذهب

تألیف ابن العماد ج ۳ ص ۳۵۹ س ۷ . ابن عساکر در تبیین کذب المفتری ص ۲۸۲ س ۱۰ .

تاریخ و محل وفات امام الحرمین

امام الحرمین در همین موقعیت ربیعی که داشت شب چهارشنبه بعد از نماز عتمه در بیست و پنجم ماه ربیع الآخر سال ۴۷۸ هجری مطابق اگوست سال ۱۰۸۵ میلادی در نیشابور درگذشت. این خلکان گوید: وقتی که ابوالمعالی بیمار شد او را بقریه‌ای از قرای اطراف نیشابور بنام بلستان که قریه‌ای خوش آب و هوا بود بردند و در این قریه وفات یافت. همان شب او را به نیشابور انتقال دادند و فردای آنروز در منزلش او را دفن کردند. پس از چند سال او را بمقبره حسین علیه السلام بردند و در جوار قبر پدرش او را بخاک سپردند. ابوالقاسم پسرش بر او نماز گذارد. بمناسبت درگذشت ابوالمعالی تمام بازار بسته شد و منبر او را در مسجد شکستند. در این موقع تمام شاگردان وی که بالغ بر ۴۰ نفر بودند دوات و قلم خود را شکستند و تائیکسال بعنوان سوگواری، مجالس درس تعطیل بود^۱.

مؤلفات امام الحرمین

۱- نهاية المطب فی درایة المذهب.

این کتاب از مهمترین تألیفات وی در فقه و از اهم کتابهای فقه در مذهب شافعی است. نسخ خطی این کتاب در کتابخانه‌های زیر موجود است: کتابخانه بلدیه در اسکندریه فقه شافعی ش ۴۴، دارالکتب المصریه فهرست قدیم ج ۳ ص ۲۸۸ و فهرست جدید ج ۱ ص ۵۴۶ ایاصوفیه ش ۱۵۰۰، کتابخانه ظاهریه دمشق.

این کتاب را عبدالعزیزین عبدالسلام سلمی (م. ۶۶۰ هـ) مختصر نموده، نسخه خطی این مختصر بخط خود مؤلف در سال ۶۴۵ در یوتا بشماره ۹۴۹ موجود است. و نیز نسخه خطی دیگری

۱- وفيات الاعیان ابن خلکان ج ۱ ص ۳۱۳. النجوم الزاهرة ج ۵ ص ۱۲۱ تبیین کتب

المفتی ابن عساکر ص ۲۸۴-۲۸۵.

از همین کتاب در دارالکتب المصریه فهرست دوم ج ۳ ص ۲۴۵ موجود است.

۲ - الورقات .

این کتاب در علم اصول فقه تألیف یافته و به کرات چاپ شده است از این کتاب نسخه های خطی زیادی موجود است: کتابخانه برلین ش ۹۴۳۵۸، کتابخانه هامبورگ ش ۱۲۸، پاریس ش ۶۷۲ (۵)، کتابخانه بریتانیا ش ۲۵۲ (۳)، (۲۵۷) ۳، کتابخانه الجزائر ش ۲۱۳ (۳)، واتیکان ش ۱۱۵۵ (۴)، دارالکتب المصریه فهرست دوم ج ۱ ملحق ۵۲ .

این کتاب ضمن مجموع متون اصول فقه اشهر مشاهیر علمای مذاهب اربعه در دمشق چاپ شده است.

و نیز در حاشیه و شرح « تنقیح الفصول فی الاصول » تألیف احمد بن ادریس قرافی در قاهره سال ۱۳۰۶ هـ چاپ شده است .
برشه ' این کتاب را تحت عنوان :

Le kitab al - waraqat ; traité de méthodologie juridique musulmane, 1930.

بزبان فرانسه ترجمه کرده است .

بر این کتاب شروح زیر نوشته شده است :

الف « الدرکات » تألیف عبدالرحمن بن ابراهیم بن فرکاح فزاری (۶۹۰ م) ، از این کتاب نسخه خطی در کتابخانه توینگن ش ۱۰۸ ، و کتابخانه کوپرلی ش ۵۱۶ ، موجود است .

ب - جلال الدین محمد بن احمد محلی (۸۶۴ هـ) این کتاب را شرح کرده است نسخه های خطی این کتاب در توینگن ش ۱۰۷

۱ - لئون Bercher فرانسوی (۱۸۸۹ - ۱۹۵۵ م) کارمند معهد الدراسات تونس .

پاریس شماره ۱۳۹۶ (۸) ، اسکوریال دوم ۵۲۱ (۶) ، پرینستون ش ۲۲۶ ، دارالکتب المصریه فهرست قدیم ج ۲ ص ۲۵۴ ، ۲۵۸ ، کتابخانه رباط به شماره ۵۳۲ و کمبریج به شماره ۱۴۹۸ (۶) موجود است .

این کتاب بر حاشیه کتاب « لطائف الاشارات الی تسهیل الطرقات لنظم النورقات فی الاصول الفقهیه » تألیف عبدالحمید بن محمد علی امریطی در ۱۳۱۷ هـ . چاپ شده است .

ج - محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن امام الکاملیه (۸۷۲م) این کتاب را شرح کرده است ، از این کتاب نسخ خطی در کتابخانه موصل ش ۱۱۳ و ۱۹۵ (۲) ، برلین ش ۴۳۶۸ ، پاریس ش ۶۲۴ (۲) ، کتابخانه اسکندریه ، اصول ۱۲ ، ۱۸ ، دارالکتب المصریه فهرست قدیم ۲ : ۲۶۱ موجود است .

د - حاشیه بر شرح « محلی » که آنرا احمد بن محمد بادی قاهری (م ۹۹۴ هـ) نوشته است . حاشیه بزرگ از این کتاب در نسخه خطی برلین ش ۴۴۳۶۳ و حاشیه کوچک آن در برلین ش ۴۳۶۵ موجود است ، در حاشیه « شرح تنقیح الفصول » تألیف ابن ادريس قرافی بسال ۱۳۰۵ هـ . در قاهره چاپ شده است و نیز در حاشیه کتاب « ارشاد الفحول » تألیف شوکانی در قاهره سال ۱۳۴۶ هـ . بچاپ رسیده است .

ه - « ارشاد الفحول » تألیف سعدالدین تفتازانی (۷۹۱ م) . نسخه خطی این کتاب در پاریس به شماره ۵۳۱۱ و کتابخانه الجزایر به شماره ۵۶۹ (۴) موجود است .

و - « غایة المأمول » تألیف شهابالدین ابوالعباس احمد بن

احمد رملی؟ (م ۹۵۷ هـ) که نسخه خطی آن در کتابخانه پاریس ش ۵۰۴۹ و کتابخانه اسکندریه ش ۱۱۴ وجود دارد.

ز- «لطائف الاشارات الی تسهیل الطرقات لنظم الورقات فی الاصول الفقهیه» تألیف عبدالحمید بن محمد علی امریطی که در قاهره بسال ۱۳۴۳ هجری چاپ شده است.

ح- نظم الورقات، شرحی است تحت عنوان «اقدس الانفس» تألیف محمد مصطفی ماء العینین چاپ سنگی در سال ۱۳۲۱ هجری.

۳- مغیث الخلق فی بیان الاحق :

امام الحرمین در این کتاب بیان میکند که آراء شافعی در فقه بر آراء سایر اصحاب مذاهب رجحان دارد، از این کتاب نسخ خطی در کتابخانه برلین ش ۴۸۵۳، پاریس ش ۹۸۴، کتابخانه بریتانیا ش ۱۲۲۱ (۱) کتابخانه اسکندریه، اصول ۲، در دارالکتب المصریه فهرست قدیم ج ۲ ص ۲۶۵، موجود است.

۴- الارشاد الی قواطع الادلة فی اصول الاعتقاد :

از این کتاب نیز نسخ خطی در کتابخانه های زیر وجود دارد : کتابخانه لیدن ش ۱۹۸۳، کتابخانه بریتانیا ش ۱۶۲۸ (۲) کتابخانه الجزایر ش ۶۱۶، اسکوریال فهرست جدید ش ۱۵۵۰، دارالکتب المصریه فهرست دوم ج ۱ ص ۱۶۳ و کتابخانه احمدیه حلب ش ۷۹۴.

شروخی بر این کتاب نوشته شده که عبارتند از :

الف- شرح ابراهیم بن یوسف بن محمد بن المرأة (۶۱۶م) و از این کتاب نسخه ای خطی در دارالکتب المصریه فهرست قدیم ج ۲- ص ۵۸ و فهرست جدید ج ۱ ص ۱۱۸ موجود است.

ب- «المقترح» تألیف ابوالعز مظفر بن علی شافعی، نسخ

خطی این کتاب در کتابخانه های لیدن ش ۴ ص ۲۳۷ ، کمبریج ش ۶۱۳ الجزایر- ش ۶۱۷ ، دارالکتب المصریه فهرست جدید ج ۲۱ ص ۱۹۰ موجود است .

ج - «الاسعاد علی الارشاد» تألیف ابوالعز مظفر بن علی شافعی نسخه خطی این کتاب در مسجد فروین در فارس ش ۱۵۷۴ موجود است .

د - «نکت الارشاد فی الاعتقاد» تألیف ابواسحق ابراهیم بن یوسف بن محمد بن دهاق الاوسی مالکی در ۲۲۳ ورقه (م ۶۱۶ هـ) از این کتاب نسخه خطی در دارالکتب المصریه ش ۶ کلام ۴ موجود است .

مختصر این کتاب بنام «العقیده السلاجیه» معروف است که ابوعمر و عثمان بن عبدالله سلاجی نوشته است و نسخه خطی آن در کتابخانه جازانله استانبول ش ۱۵۵۹ موجود است .

اول کسی که در مورد این کتاب تحقیق کرده است استاد دانشگاه الجزائر لوسیانی Luciani (۱۸۵۱ - ۱۹۳۳ م) مستشرق فرانسوی . وی این کتاب را به فرانسه ترجمه کرد اما قبل از انتشار متن و ترجمه آن در گذشت و در ۱۹۳۸ م کتاب مزبور بهمان صورت انتشار یافت .

انتشار دوم این کتاب بوسیله دکتر محمد یوسف موسی وعلی عبدالمنعم عبدالحمید در قاهره بسال ۱۹۵۰ صورت گرفت ، بطوریکه خود آنها میگویند ، نسخه لوسیانی را اساس نشر این کتاب قرار داده اند .

ه - لمع الادلة فی قواعد عقاید اهل السنة .

از این کتاب نسخ خطی در کتابخانه برلین ش ۲۰۷۳ ،

کتابخانه جمعیت مستشرقین آلمانی ش ۱۶ دارالکتب المصریه فهرست دوم ج ۱ ص ۲۰۵ موجود است .

عبدالله بن محمد فهری تلمسانی (م ۶۵۸ هـ) شرحی بر این کتاب نوشته که نسخه خطی آن در کتابخانه برلین ش ۲۰۷۴، دارالکتب المصریه فهرست قدیم ج ۲ ص ۳۰، اسکوریال فهرست دوم ش ۱۶۰۰، موجود است .

۶ - رساله فی اثبات الاستواء والفوقیه .

در این کتاب آنچه در آیه ۴ سوره ۲ آمده بطرز بدیعی تعبیر و تأویل شده است ، نسخه خطی این کتاب در کتابخانه موصل ش ۲۴۶ موجود است .

۷ - خطبه وعظیه ، از این کتاب نسخه‌ای خطی در کتابخانه برلین ش ۳۹۵۳ موجود است .

۸ - قصیده‌ای که در آن پسرش را مخاطب قرار داده و او را موعظه میکند . نسخه خطی آن در کتابخانه برلین ش ۷۶۲۱ (۳) موجود است .

۹ - غیث‌الامم فی التیاث الظلم ، از این کتاب نسخه‌ای خطی در کتابخانه شهرداری اسکندریه ش ۹۲ موجود است .

۱۰ - مختصر فی اصول‌الدین ، یک نسخه از این کتاب در کتابخانه پاریس ش ۶۷۲ (۵) موجود است .

۱۱ - شفاء الغلیل فی بیان ما وقع فی التوراة والانجیل من التبديل ، از این کتاب نسخه‌ای خطی در کتابخانه ایاصوفیا ش ۲۲۴۶ (۲) موجود است این کتاب بغزالی نسبت داده شده اما در نسخه خطی موجود در ایاصوفیا صریحاً مولف این کتاب امام‌الحرمین معرفی شده است .

- ۱۲ - العقيدة النظامية في الاركان الاسلاميه ، از اين كتاب نسخه‌ای خطی در كتابخانه اسكوريال فهرست دوم ش ۶۱۵۱۴ موجود است ، اين كتاب را شيخ زاهد كوثری در قاهره بسال ۱۹۴۸ در مطبعه انوار ، با مقدمه‌ای محققانه انتشار داده است .
- ۱۳ - الدررة المضيئه في ما وقع فيه الاختلاف بين الشافعية والحنفية از اين كتاب نسخه‌ای خطی در كتابخانه بریتانیا ش ۷۵۷۴ شرقی موجود است .
- ۱۴ - غياث الامام - اين كتاب بدستور غياث الدين نظام الملك تأليف يافته است وبهمين علت آنرا «الغياثي» مينامند ، نسخه‌ای از اين كتاب در بنكيبور - ش ۱ موجود است .
- ۱۵ - كتاب الفروق ، از اين كتاب نسخه‌ای خطی در كتابخانه استانبول ش ۱۴۶۵ موجود است .
- ۱۶ - رساله في التقليد والاجتهاد ، در كتابخانه آصفيه حيدر آباد نسخه خطی آن ش ۱۷۲ (۱) وجود دارد .
- ۱۷ - رساله في الفقه - از اين كتاب نسخه‌ای خطی در موصل ص ۱۰۱ ش ۳۸۷ موجود است .
- ۱۸ - الشامل في اصول الدين .
اولين کسی که از نسخه مصور اين كتاب در دارالکتب المصریه (ش ۱۲۹ علم کلام) آگاهی پیدا کرد بروکلیمان مستشرق معروف آلمانی بود ، و نسخه عکسی آن نیز در آستان قدس موجود است .
- مرحوم استاد محمود الخضيري از اين نسخه استنساخ کرده است . مختصری از كتاب «الشامل» بعنوان «الكامل في اختصار الشامل» است که اين الامير آنرا نوشته و نسخه خطی آن در كتابخانه استانبول ش ۱۳۲۲ در ۲۷۴ ورقه موجود است .

همین کتاب مختصر را شمس‌الدین ابو‌عبدالله محمد بن احمد بساطی طائی (م ۸۴۲ هـ) تحت عنوان «مختصر الکامل فی مسائل الشامل» مختصر کرده است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌الازهر ش ۳۳۷ در ۱۱۶ ورقه موجود است.

۱۹ - الکافیة فی الجدل ، از این کتاب نسخه‌ای خطی در کتابخانه‌الازهر. ش (ع) ۱۰۶۳۳ در ۹۵ ورقه موجود است.

۲۰ - ابن خلدون در «مقدمه» در باب علم فرائض گوید: امام‌الحرمین در علم فرائض در مذهب شافعی تألیفی دارد که حاکی از تبحر وی در علوم می باشد ولی تألیفات مذکور را معرفی نمیکند.

آراء مختص امام‌الحرمین ابوالمعالی جوینی در اصول فقه

بطور اختصار

۱ - امام‌الحرمین در تعریف علم چنین نظر میدهد که ماهیت علم نظری است و ادراک حقیقت آن بعلت خفای آن مشکل است و چون تصور حقیقت علم ، امری دشوار میباشد لذا بهتر است از تعریف آن خود داری کنیم ؛ امام‌غزالی که شاگرد اوست نظر او را دنبال کرده و تابع او شده است (۱) .

۲ - یکی از مسائل مورد اختلاف بین اصولیین این است در مورد تکلیف به واجبی که موقوف بر امری باشد که آن امر مقدور مکلف است آیا وجوب موقوف علیه بموجب همان دلیل است که مکلف به را واجب گردانیده یا دلیل مستقل دیگری میخواهد ؟ جمهور بر آنند که بمحض وجوب همان واجب وبدون احتیاج بدلیل دیگر، آن امر مقدور، نیز واجب میشود خواه سبب باشد یا شرط. دسته دوم که در اقلیت

۱ - مقدمه جمع الجوامع تألیف امام ابن سبکی در مبحث تعریف علم ص ۸۵ ج ۱ بنانی .

هستند میگویند: آن امر مقدور، واجب نمیشود زیرا دلیل مکلف به واجب، از آن ساکت است .

قول سوم بر آن است که اگر امر مقدور سبب باشد بمحض وجوب سبب واجب میشود مانند آتش برای سوزاندن .

امام الحرمین چنین نظر میدهد که مقدور مزبوراً اگر شرط شرعی باشد مانند وضو برای نماز، آنهم بوجوب مشروط واجب میشود نه شرط عقلی یا عادی، مثلاً شستن صورت در وضو مکلف به واجبی است و شستن جزئی از سر (مرز نهائی سر که مجاور صورت است) بطور عادی برای تحقق شستن صورت واجب است . امام الحرمین میگوید: چون وجود مشروط، عقلاً و عادتاً بدون وجود شرط، تحقق پیدا نمیکند لذا مطلوب شارع، قرار نمیگیرد ولی شرط شرعی همچو وضعی دارد که اگر شارع آنرا معتبر نمیدانست و صحت مشروط را بر آن متوقف نمیکرد وجود مشروط، بدون حصول آن حاصل بود و لذا بموجب آیه: أقیموا الصلوة، وضوهم واجب میشود و دلیل و موجب مستقل دیگری لازم ندارد (۱).

۳ - غاصبی که زمینی را اشغال کرده و در حال توبه و پشیمانی است و میخواهد از ملک مغضوب خارج شود اکثر اصولیین میگویند: هر قدمی که بمنظور خارج شدن از زمین بر میدارد انجام واجبی است و ثواب دارد زیرا تخلیه ملک، موقوف بر خارج شدن است و چون تخلیه، واجب است پس چیزی که تخلیه کامل، موقوف بان است نیز واجب و انجام دهنده آن مثاب است . ابوهاشم معتزلی گوید: چون گام برداشتن تا هنگام خروج کلی، اشغال ملک غیر است آنهم حرام و مرتکبش معاقب است . امام الحرمین میگوید: با وجود اینکه بمحض شروع بخروج، تکلیف نهی از طرف شارع از او منقطع میشود مع هذا او مرتکب گناه شده است . و بعبارت روشنتر با وصف اینکه

شخص غاصب از آغاز خروج ، از عهده امثال دستور شارع که خودداری از اشغال ملک غیر است بر آمده ولی چون خلاصی کامل از گناه ، موقوف بر خروج از آخرین جزء زمین مغضوب است او هنوز در حال اشغال بسر میبرد و همچو مرتکبی ، مرتکب معصیت است .

امام الحرمین در این نظر ، هم جانب معصیت و هم جانب طاعت را رعایت کرده بهمین جهت این سبکی میگوید : رأی امام الحرمین دقیق است . (۱)

۴ - در بحث اینکه اگر کسی از محل مرتفعی بر روی یک نفر از جمعی مجروح ، سقوط کند و استمرار این حالت موجب مرگ آن فرد گردد ، و فرض چنین باشد که اگر بر روی مجروح دیگر بیفتند او نیز هلاک شود جمعی از اصولیین گفته اند : همانجا که افتاده بماند و بر مجروح دیگر منتقل نشود . جمع دیگری گفته اند : مختار است بر روی همان اولی بماند و یا روی زخمی دیگر قرار بگیرد . امام الحرمین میگوید : این مسأله حکمی ندارد نه برسبیل جواز و نه برسبیل منع زیرا اذن با استمرار یا انتقال ، متضمن جواز قتل ، و قتل منهی عنه است و اگر از هر دو منع کنیم مکلف قادر بامثال نیست و چون سقوط بر زخمی مورد بحث ، با اختیار نبوده گناه هم ندارد (۲) .

۵ - در مفهوم مخالفه یکی از شرائط اعتبار آن بقول شافعی و اکثر علماء اصول ، این است که ذکر قید مشعر بر مفهوم مخالفه ، از راه تخریج بر غالب نبوده و قید اغلیبی نباشد . امام الحرمین این شرط را نفی کرده و قبول ندارد مثلا در آیه «وربائبکم اللاتی فی حجورکم» قید «فی حجورکم» را با اینکه تخریج بر غالب است معتبر میدانند و برای آن مفهوم مخالفه قائل است و میگوید : ریبهای که در حجرو

۱ - مقدمه جمع الجوامع ج ۲ . ص ۱۰۲

۲ - * * * ص ۱۰ ج ۱ بنانی .

تحت تکفل شوهر نباشد و در وقت ازدواج با مادرش کبیره بوده و بطور استقلال زندگی میکرده برای شوهر مادرش حرام نیست و عقد آن بلاشکال است و جمهور قید اغلبی «فی حجورکم» را کان لم یکن و در حکم حرمت ربیبه، غیر مؤثر میدانند و عبارت واضحتر نکاح ربیبه را خواه در تحت تکفل شوهر باشد یا نباشد برای شوهر جائز نمیدانند. امام الحرمین با سائرین در اینخصوص مناقشاتی دارد که در این مختصر ننگنجد (۱).

۶ - در مبحث مفهوم مخالفه که اصولیین برای صفت، مفهوم مخالفه قائل هستند، امام الحرمین گوید: همه صفتها مفهوم مخالفه ندارند و فقط صفتی که با حکم مناسبت داشته باشد مفهوم دارد مثلا اگر بگوئیم زکاة در گوسفندان قرمز یا سیاه واجب است این عبارت و ذکر همچو صفتی مفهوم مخالفه ندارد و نباید گفت پس در گوسفندان سفید زکاة واجب نیست زیرا رنگ، مناسبتی با وجوب یا عدم وجوب ندارد برخلاف اینکه بگوئیم: در غنم سائمه (گوسفندانی که در صحرا میچرند و صاحب آن برای تهیه علوفه متحمل هزینه و زحمت نمیشود) زکاة واجب است که صفت سائمه بودن با حکم وجوب زکاة، متناسب است (۲).

۷ - در مبحث امر: اگر امر به چیزی بعد از منع از آن وارد گردد. شیرازی و سمعانی و امام رازی گفته اند: امر مزبور دال بر وجوب است. امام الحرمین بهیچیک از وجوب و اباحه، حکم نکرده و قائل به توقف است (۳).

۸ - در مبحث نهی بعد از وجوب هم مانند مسأله قبلی قائل

۱ - مقدمه جمع الجوامع ص ۱۳۱ ج ۱ بنانی.

۲ - جمع الجوامع ص ۱۳۸ ج ۱ بنانی.

۳ - جمع الجوامع ص ۲۱۹ ج ۱ بنانی. اسنوی برمنهاج بیضاوی ص ۲۶۸ ج ۱.

بتوقف است ولی اصولیین گفته‌اند این نهی برای تحریم است، بعضی گفته‌اند برای کراهت، و برخی معتقدند که دال بر اسقاط وجوب است^(۱).

۹ - اکثر اصولیین برآنند که اسر بچیزی معین، نهی از ضد آن است، قاضی ابوبکر باقلانی میگوید: متضمن نهی از ضد است. امام الحرمین گوید: نه عین آن است و نه متضمن آن^(۲).

۱۰ - جمع کثیری از اصولیین گفته‌اند: جمع معرف بلام یا اضافه، مادامیکه عهد، محقق نباشد مفید عموم است. ابوهاشم معتزلی بطور اطلاق عموم را نفی میکند. امام الحرمین چنین نظر میدهد که اگر احتمال عهد داده شود برای عموم نیست یعنی در صورت احتمال، بین عهد و عموم متردد است مگر قرینه‌ای باشد که عهد یا عموم را روشن سازد.

۱۱ - در بحث عام مخصوص، در اینکه آیا لفظ عام پس از تخصیص بر افراد باقیمانده بطور حقیقت دلالت دارد یا بطور مجاز، بین علمای اصول اختلاف است جمهور اشاعره و مشاهیر معتزله و بعضی از احناف گفته‌اند دلالت عام بر بقیه افراد، مجاز است و بعضی دیگر از حنفیه منجمله شمس الاثمه سرخسی و حنابله و اکثر شافعیه بلکه جماهیر فقهاء بطوریکه امام الحرمین نقل میکنند گویند تناول آن نسبت به بقیه افراد حقیقت است ولی نظر خود امام الحرمین این است که هم حقیقت وهم مجاز است بدو اعتبار باین معنی باعتبار اینکه بمقتضای عموم لفظ، در ضمن دلالت بر تمام افراد، بر بعض باقیمانده نیز دلالت دارد حقیقت است همچنانکه قبل از تخصیص بر بعض مزبور دلالتش حقیقی بوده. و باعتبار اینکه اطلاق کل و اراده جزء شده است مجاز می‌باشد^(۳).

۱ - بنانی جمع الجوامع ص ۲۲۰ ج ۱.

۲ - * * * ص ۲۲۳ ج ۱.

۳ - * * * ص ۵۹۴ ج ۲.

۱۲ - در مبحث جواز تخصیص کتاب یا سنت بقیاس. امام رازی مطلقاً جائز نمیداند خواه قیاس جلی باشد یا خفی. ابوعلی جبائی از معتزله تخصیص بقیاس خفی را جایز نمیداند و امام الحرمین قائل بتوقف است (۱).

۱۳ - در مبحث عدالت راوی، اکثر اصولیین روایت راوی مجهول الباطن یعنی مستور العدالة را بجهة انتفاء تحقق شرط عدالت قبول ندارند ابوحنیفه و ابن فورک و سلیم رازی بظن حصول شرط اکتفا نموده و قبول کرده‌اند و امام الحرمین در رد یا قبول، قائل بتوقف است تا هنگامیکه بوسیله تفحص از حال او وضعیتش روشن شود (۲).

۱۴ - در مبحث عدالت راوی. بنظر اکثر علمای اصول، روایت راوی مجهول العین هم (شخصی که حفاظ حدیث او را نمی‌شناسند) مقبول نمیباشد بجهة اینکه در این مورد جهالت عین، ضمیمه جهالت باطن میشود و نظریه در فقره ۱۳ گفتیم که روایت مجهول الباطن مقبول نیست لذا عدم قبول روایت مجهول العین بطریق اولی خواهد بود ولی امام الحرمین معتقد است اگر شخص موثقی مثل شافعی او را بوثوق توصیف کند باینکه سائر حفاظ حدیث او را نشناسند روایت او مقبول است (۳).

۱۵ - در اجماع کنندگان عدد تواتر شرط نیست ولی امام الحرمین شرط میدانند (۴).

۱۶ - اصولیون گویند: در انعقاد اجماع تمادی و گذشت زمان براجماع، شرط صحت اجماع نمی‌باشد ولی امام الحرمین آنرا در اجماع ظنی شرط میدانند (۵).

۱ - بنانی جمع الجوامع ص ۲۱ ج ۲.

۲ - * * * ص ۱۰۲ ج ۲.

۳ - * * * ص ۱۰۳ ج ۲.

۴ - * * * ص ۱۲۴ ج ۲.

۵ - * * * ص ۱۲۵.

۱۷ - درباب قیاس : جمهور علمای اصول ، تعلیل بدو علت مستقل درعلیت یا بیشتر را برای یک حکم جائز دانسته و گفته اند : علاوه بر جواز واقع هم شده است ، مانند مس و لمس و بول که علت عدم صحت نمازند، ابن فورک و امام رازی در علت منصوصه نه مستنبطه تجویز کرده اند امام الحرمین تعلیل بدو علت مستقل را برای یک حکم شرعاً منع کرده، اگرچه عقلاً جائز دانسته است، و نظر خود را بدین نحو توجیه میکنند که اگر شرعاً جایز بود واقع میشد، اگرچه بطور ندرت باشد و درباره آنچه که جمهور بعنوان مثال ذکر کرده اند، امام الحرمین معتقد است که احکام، متعدد است و حکمی که به هر کدام از مس و لمس و بول نسبت داده شده غیر از حکمی است که بدیگری نسبت داده شده است و هر چند نوعاً یکی هستند ولی بالشخص، متعدد و متغایرند و نیز میگوید: یک علت تامه و مستقل، مجتهد یا ناظر یا فقیه را از علت دیگر بی نیاز میکند، و اگر بی نیاز نکند علت مستقل نیست و نیز تحصیل حاصل لازم میآید، زیرا حکم مورد نظر بعلت اولی بدست آمده و علت دومی همان امر را انجام میدهد که علت اولی انجام داده و تحصیل حاصل، عبث است. جمهور در جواب امام الحرمین گفته اند: علل شرعیه، معرفات و امارات حکم هستند و هیچ اشکالی ندارد که چند علامت و معرف بربیک چیز جمع شود.

۱۸ - یکی از طرق اثبات علیت سبب و تقسیم است: مجتهد اوصاف مقیس علیه را یکی بعد از دیگری مورد نظر قرار میدهد آنچه از اوصاف برای علیت حکم صالح نباشد آنرا ابطال میکند و وصفی را که صالح است علت حکم اصل قرار میدهد، و این حصر و ابطال اگر قطعی باشد طریق، قطعی است و اگر هر دو یا یکی ظنی باشد طریق، ظنی است. اکثر اصولیین گویند: ظنی برای ناظر و مناظر یعنی مجتهد یا

خصم حجت است زیرا عمل بظن واجب است و بعضی گفته‌اند مطلقاً حجت نیست. امام الحرمین میگوید: اگر حکم باجماع فقها از احکام معلله باشد نه احکام تعبدی برای هردو حجت است^(۱).

۱۹ - در خاتمه مباحث کتاب در مبحث اینکه آیا قیاس از اصول الفقه است یا خیر، امام الحرمین میگوید: از اصول الفقه نیست و اینکه در کتب اصول از قیاس بحث میشود از این جهت است که اثبات حجیت آن از موضوعات اصول الفقه است^(۲).

۱ - بنانی ص ۱۷۳ ج ۲

۲ - بنانی ص ۲۱۶ ج ۲

در میان خاورشناسان ، پروفیسور گوستاو فون گرون بوم یکی از برجسته ترین شخصیت ها بود که چندی پیش روی در نقاب خاک کشید . وسعت و عمق معلومات این خاورشناس باعث شد قنواتی که خود یکی از مشهورترین نویسندگان جهان عرب و مردی زبان دان است ، مقاله ای بسیار دقیق و مفصل و عالمانه به زبان فرانسه در مورد مجموعه آثار او تهیه کند و در آن به تجزیه و تحلیل این آثار بپردازد . چون این مقاله هم از نظر آشنائی با آثار گرون بوم و هم از نظر روش انتقاد علمی بسیار جالب توجه است ، آقای دکتر منوچهر خداپار محبی از : گروه ادیان و عرفان این دانشکده به ترجمه و تلخیص آن از زبان فرانسه به فارسی همت گماشتند که اینک به خوانندگان عرضه میشود .

(مقالات و بررسیها)